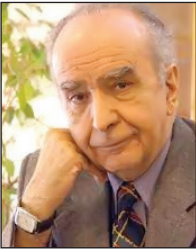


نقل قول ۱

نگاه یک پژوهنده تیزهوش



گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی را دریافت کردم و بسته پستی را گشودم، عنوان کتاب تازه بود و در یک نگاه گذرا دریافتیم که محتوای آن هم متفاوت است و نگاه یک پژوهنده تیزهوش و تازه‌جو در پشت این صفحات است. پس از صفحه عنوان کتاب، در یک صفحه خاص، مؤلف آن را به علامه دهخدا هدیه کرده است که غیرمستقیم به خواننده می‌گوید که این هم یک کتاب مرجع است و وقتی که من مقدمه یا تفریق استاد ایرج افشار را خواندم، دیدم که او هم کتاب را یک مرجع شناخته و آن را «راهنمای باغ گیاهان» نامیده و از وجوه ممتاز این اثر سخن گفته است که داوری او تأیید اعتبار علمی کتاب است. پیش از این، در بسیاری از کتاب‌های مرجع، شقایق لاله است و لاله و شقایق از یک تیراند و همین‌اواز اینکه آن تیره کدام تیره است؟ و آن گل یا آن درخت یا آن گیاه خودرو به کدام اقلیم تعلق دارد؟ و چه خواصی در آن هست؟ سخنی نیست. گردآوردن عباراتی مشابه و یازنویسی آن زیر مدخل‌های الفبایی، از هر نوموزی برمی‌آید…. اما در گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی، کار به گردآوری منظم شواهد پایان نمی‌پذیرد. هر درختی یا گیاهی‌ی زادگاهی دارد و در این کتاب پیدا می‌کنید که او اهل کدام ولایت است؟ و با کدام درخت یا گیاه دیگر هم خانواده است؟»

نقل قول ۲

ایران طراوت



دکتر سیدمصطفی محقق داماد با اشاره به ضرورت زیست ایرانی درباره این کتاب گفته بود: ایران خانه ماست. مام وطن را همه احساس می‌کنیم.

آنهاهی که ایرانی نیستند و ممام وطن را احساس نمی‌کنند خطاب به آنها نیست. آنهاهی که ایرانی هستند اینن تربت مقدس را که مجامعه اجدادمان در آن دفن است و سرشتمان با این خاک آمیخته است و زندگی می‌کنیم درکمی کنند. ما وظیفه داریم این ایران را که روزی گلستان بود باه هم گلستان نگه‌داریم. سعدی شیرازی اسم کتاب خود را گلستان می‌گذارد. بوستان، گلستان نشان دهنده این است که ما ایرانیان گل باز و گل دوست هستیم و ایرانمان گل بود. ما با عربستان سعودی فرق داریم. ایران ما ایران طراوت است. ایران گل هست. اولاً باید در حفظ محیط‌زیست همت بگماریم و آن را حفظ کنیم. جای گل و درخت آهن نکاریم، به جای درخت تیر آهن نصب نکنیم، بگذارید توی کوچه‌ها صدای بلبلی و بوی کلی بشنویم. درست است که:

از این سموم که بر طرف بوستان بگذشت عجب که بوی گلی هست و رنگ یاسمنی

نقل قول ۳

بجا آوردن حق پیشینیان



دکتر حورا یآوری نیز با اشاره به ویژگی فرهنگ‌نامه‌ای این کتاب گفته بود: کتاب گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی هم حق فرهنگ‌نویسان و پژوهندگان سلسلف را با ذکر نام و آثار آنها یاد می‌کند و هم بااذعان به دامنه و گستردگی کار و طررح پرسش‌های متعدد، مشارکت و اظهارنظر پژوهندگان دیگر را موجب می‌شود و مثل هر اثر پژوهشی معتبر راه را برای محققان دیگر هموارتر می‌کند که از نمونه‌های آن می‌توانیم به تحولات تاریخی این مفاهیم و تشبیهات و استعارات برخاسته از آنها طی این هزار سال و کاربردهاو معناهای تازه آنها،به‌خصوص در ۲قرن،اخیراشاره کنیم.دکتر شفیع‌ی کدکنی در کتاب با چراغ و آیینه: در جست‌وجوی ریشه‌های تحول در شعر معاصر ایران به این سیر تحولی در مورد پزندگانی مثل کیوتو و مشاوشاره می‌کند و با ذکر نمونه‌هایی نشان می‌دهد که باز نمود این دو پرنده در ادبیات معاصر با آنچه در ادبیات کلاسیک می‌شناسیم متفاوت است و به‌خصوص اینکه این مفاهیم و مشابهات آنها در قرن بیستم با پذیرفتن پارهای افزوده سیاسی معنای کاربردهای تازه یافته‌اند.تکته‌ای که در مورد «لاله» هم صدق می‌کند.از نمونه‌های دیگری که در کتاب گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی به آن اشاره شده باید از «گل» نام برد که در گذشته به‌طورخاص به گل سرخ اطلاق می‌شده و امروز دلالت گسترده‌تری دارد و به گل در مفهوم عام آن اشاره می‌کند. دانش و خواسته است نرگس و گل

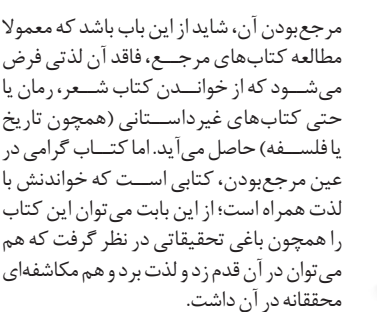
که به یک جای نشکفته به هم هر که را خواسته است دانش ننشده وانگه را دانش است خواسته کم

فرهنگ



هم خواندنی و هم مرجع

کتاب **«گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی»** بررسی محققانه‌ای در باب موضوعی کمترشناخته در شعر فارسی است



مرجع بودن آن، شاید از این باب باشد که معمولاً مطالعه کتاب‌های مرجع، فاقد آن لذتی فرض می‌شود که از خواندن کتاب شعر، رمان یا حتی کتاب‌های غیرداستانی (همچون تاریخ یا فلسفه) حاصل می‌آید.اما کتاب گرامی در

عین مرجع بودن، کتابی است که خواندنش با لذت همراه است؛ از این بابت می‌توان این کتاب را همچون باغی تحقیقاتی در نظر گرفت که هم می‌توان در آن قدم زد و لذت برد و هم مکاشفه‌ای محققان در آن داشت.

بخش‌بندی کتاب

قدری هم به تبویت کتاب بپردازیم. بعد از یادداشت آغازین نویسنده و مقدمه مرحوم افشار و پیش از شروع متن اصلی کتاب، تعدادی مقاله کوتاه آمده است: گل و گیاه در شعر حافظ، گیاهان در قرآن، پنج مقاله درباره گیاهان تورات، شعر فارسی، گل و گیاه در شاهنامه فردوسی، گل

و گیاه در خمسه نظامی گنجوی؛ سپس سبک شعر فارسی، فهرست شاعران اعم از شاعران با نام و نشان و شاعران بی‌نشان، شاعران معاصر و شاعران عرب‌زبان و در انتها منابع نثری. اینها تا صفحه ۱۴۸۳ آمده. امروزه نیز اصطلاحی رایج است، تجانس و انس میان انواع گل و گیاه و معشوق، احتمالاً یکی از بارزترین جلوه‌های حضور گل و گیاه در شعر است. در مقاله‌ای با عنوان «کاربرد گیاهان در شعرها» که در شماره ۲۰۲۰۲۰نشریه «ژورنال بین‌المللی توانبخشی روانشناسی» به چاپ رسیده، آمده است: «در دنیای ادبی شعرها، گل‌ها به همراه گیاهان، بسیار فراوان، برای توصیف کیفیات انسانی، ظاهر فیزیکی و ماهیت انسانی استفاده می‌شود. گل‌ها و گیاهان به ترسیم تصویر واضحی از انسان، مخصوصاً در تصویر کردن معشوق برای خواننده، کارساز است. یکی‌پنداشتن معشوق با گیاهان، مخصوصاً گل‌ها، از خلال پیوند میان رنگ، عطر، قامت و شکل‌شان درک می‌شود. مؤلفه‌های سبکی مختلف همچون استعاره، تشبیه، وصف و جان‌بخشی در درک تصویر توصیف‌شده، راهگشاست.»

در کتاب گرامی نیز ابیات بسیاری در تشبیه چهره، حالات و رفتار یار به گل‌ها و گیاهان آمده است. تأکید مرحوم افشار بر دو ویژگی خواندنی بودن و



مرحوم ایرج افشار در مقدمه‌اش بر کتاب نوشته: «گردآورنده گرامی

کتاب چون در رشته کشاورزی آموزش عالی دیده و با شعر فارسی

مأنوس است در سال‌های دوری از وطن به یاد گل و گیاهانی بوده

است که شاعران هم‌وطنش از هزارسال پیش می‌شناخته‌اند و زیبایی و خوشبویی آنها را در شعر

خود ماندگار ساخته‌اند»

گل‌ها و گیاهان را معمولاً به دلیل مصارف خوراکی و دارویی‌شان می‌شناسیم یا به واسطه زیبایی و خوشایندی‌شان، ولی کمتر آنها را به سبب حضور پررنگ‌شان در آثار ادبی به یاد می‌آوریم؛ شاید چون وجود گل و گیاه در زندگی انسان به قدری طبیعی و لازم است

که از دیدن‌شان در آثار ادبی تعجب نمی‌کنیم. گل‌ها و گیاهان همچون هر موضوع و پدیده دیگری که در زندگی انسان نقشی دارد، در آثار ادبی از جمله شعر به‌وفور بازتاب یافته است. شعر کهن فارسی نیز یکی از بارزترین جلوه‌گاه‌های زیبایی و لطافت گل‌ها و گیاهان است. به قول مرحوم ایرج افشار که در مقدمه‌اش بر کتاب «گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی» آمده، «کدام شاعر زبان فارسی است که در شعرش از یاد گل که یکی از مظاهر زیبا و جان‌بخش طبیعت است به دور مانده باشد. شاید اغراق نباشد اگر گفته شود که امری محال است. شعر فارسی و گل، دو جوهر زیبایی، پیوندی دارند همیشگی و ناگسستنی» (صحنه نوزده). کتاب «گل و گیاه در هزار سال شعر فارسی (تشبیهات و استعارات) همراه با شرح و معنای همه ابیات مربوط به گل و گیاه در دیوان حافظ» تألیف بهرام گرامی که اخیراً ویراست سوم آن از سوی انتشارات فرهنگ معاصر منتشر شده، به صورت مبسوط و دقیقی در ۶۹۱صفحه‌از همین پیوند «همیشگی و ناگسستنی» گل و گیاه و شعر فارسی گفته است. در این مطلب، کتاب گرامی را بررسی کرده و به زیبای شعر فارسی در پیره گیری از گل‌ها و گیاهان پرداخته‌ایم.

است: «ابیاتی از چند شاعر متأخر و معاصر، فقط به‌ضرورت، در چند زیرنویس آمده‌است؛ زیرا به باور این مؤلف در بیشتر آثار این شاعران چندنان نشانی از شناخت گیاهان و توجه به ویژگی‌های آنها به چشم نمی‌خورد. اینان در مواردی نه‌چندان نادر، گل‌ها و گیاهانی را با هم و دست در دست در شعر خود آورده‌اند که به‌طور طبیعی در یک جای با هم یک‌زمان نمی‌رویند. گاهی هم به‌وضوح می‌توان دریافت که استفاده از گل و گیاه در شعر معاصر، بی‌وجه و سبب، با هدف زینت‌بخشیدن به کلام بوده است.»(همان)

مؤلف کارشناس و شعرشناس بهرام گرامی متولد ۱۳۲۱تهران است و لیسانس مهندسی کشاورزی خود را در سال ۱۳۴۳ از دانشگاه تهران، فوق‌لیسانسش را در اصلاح نباتات و بیماری‌های گیاهی در سال ۱۳۴۹از دانشگاه آمریکایی بیروت و کنترایش را در ژنتیک و علوم گیاهی در سال ۱۳۵۶از دانشگاه مانی‌توای کانادا دریافت کرده‌است. از ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷ا کارشناس و محقق سازمان تحقیقات کشاورزی ایران بوده و از ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۴در دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان سمت استادیاری داشته است. او از سال ۱۳۶۴به امریکارفت و تا سال ۱۳۷۴در دانشگاه کالیفرنیا در دیویس به تحقیق پرداخت و در فاصله سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۲هم در دو انجمن شیمی غلات و بیماری‌های گیاهی در آمریکا به‌عنوان ویراستار علمی فعالیت کرد. او در هنگ کنگ، بحرین و چین تدریس کرده و مقالات متعددی به زبان‌های انگلیسی و فارسی نوشته است. همین سابقه خود گویای صلاحیت گرامی در بررسی گل و گیاه در شعر فارسی است. مرحوم ایرج افشار در مقدمه‌اش بر کتاب نوشته: «گردآورنده گرامی کتاب چون در رشته کشاورزی آموزش عالی دیده و با شعر فارسی مأنوس است در سال‌های دوری از وطن به یاد گل و گیاهانی بوده است که شاعران هم‌وطنش از هزار سال پیش می‌شناخته‌اند و زیبایی و خوشبویی آنها را در شعر خود ماندگار ساخته‌اند»(نوزده). به گفته مرحوم افشار، کتاب گرامی، هم مناسب خواندن و لذت بردن است و هم ارزش مرجعی دارد، چون با خواندنش «به آسانی جنس و گونه و خانواده هر گیاه را با نام‌های علمی آن می‌شناسید و اگر بخواهید شاهد و مثال شوری برای هر یک داشته باشید چندین بیت خوب را در آن می‌یابید و از راه توضیح و تحلیلی که مؤلف آشنا و کارشناس داده است بر نحوه تلقی و احساس شاعر از آن گیاه آگاه می‌شوید و چون مؤلف، معنای کلمات دشوار را هم آورده است مشکلی پیش روی شما نمی‌ماند.»(همان) به عنوان مثال، در مدخل «نرگس» در صفحه۴۴۷می‌خوانید:

به‌جز آن نرگس مثالش کسی چشمش مرساد/ زیر این طارم فیروزه کسی خوش ننمشت چشمش مرساد =چشم بد به او نرسد.طارم فیروزه =آسمان، کنایه‌از دنیا.خوش ننمشت =به‌خوشی نگذراند یا روز خوش نندید، در جای مناسب قرار نگرفت. اجز چشمم یار که به زب طساق ابروی او است؟ گرامی به این پرسش هم اینطور پاسخ داده

یاور یگانه روزنامه‌نگار

یادداشت الهام خاکپاش؛ محمدمساز

تأثیر مجسمه شهری بر روان شهر

متناسب با محیط

موثر بر روح مخاطب

هنر مجسمه‌سازی نقش بسزایی در تکامل و رشد فرهنگ دارد و باعث تقویت هویت مردم و بیانگر فرهنگ، رسوم و آیین مناطق مختلف است. بر همین اساس باید گفت مجسمه و المان در فضای شهری عنصری مهم در ارتقای فرهنگ و هنر است. وقتی از مجسمه شهری حرف به میان می‌آید باید موارد بسیاری مدنظر باشد که مهم‌ترین آنها ارتباط مخاطب با اثر است. اگر ارتباط مخاطب با اثر به درستی شکل بگیرد، هنرمند رسالت خود را انجام داده‌است.

در دنیای امروزی توجه بسیاری به هنر مجسمه‌سازی شهری شده‌است، به‌طوری که گویی این هنر با متن زندگی تمام مردم دنیا آمیخته است. از آنجا که این هنر تأثیر بسزایی بر روح و روان مخاطب می‌گذارد و کمک شایانی به سلامت روحی شهروندان می‌کند و باعث آگاهی نسل جوان از فرهنگ بومی می‌شود، پرداختن به آن بسیار حائزاهمیت است. المان‌های شهری باید با توجه به مختصات و جغرافیایی که قرار می‌گیرد دارای مشخصات متعددی باشد و از لحاظ فرمی و مفهومی هماهنگی بسیاری با فضای مربوطه داشته باشد. همچنین باید نزدیکی مطلوبی با آن خطه و اقلیم از لحاظ مضمون و شکل داشته باشد، چرا که وقتی یک مجسمه مناسب در مختصاتی مناسب نصب می‌شود می‌تواند اثر اشاعه فرهنگ و آداب و رسوم هر منطقه تأثیر بسزایی بگذارد. هر فرهنگی دارای هویت مربوط به‌خود است و اگر هنرمندان این نکته را مدنظر داشته باشند که مناسب همان منطقه جغرافیایی با درنظر گرفتن تمام مواردی‌که آن خطه را تعریف و شناسایی می‌کنند اثر طراحی شود، می‌تواند تأثیرات عمیقی را در لایه‌های مختلف شهری از خود به‌جا بگذارد.

برای اینکه هویت منطقه‌ای بهتر شکل بگیرد باید نمادها و نشانه‌ها مختص به آن اقلیم وجود داشته باشد و در این میان نقش هنرمند بسیار حائز اهمیت است. برای شناسایی بهتر این نماد و نشانه‌ها و استفاده درست از آن‌ها، هنرمند باید اقلیم‌های مختلف را بشناسد و از تناسب و هماهنگی مطلوبی بین اثر هنری و اقلیم و مختصات مورد نظر آگاه باشد تا اثرش حامل تأثیرات مطلوبی برای شهروندان آن خطه باشد. تأثیر مثبتی که یک مجسمه با المان شهری می‌تواند بر شهروندان آن منطقه بگذارد بسیار وسیع است اما در غیراین صورت اثر هنری نامناسب باعث نابسامانی و نازیبایی و آلودگی بصری می‌شود. وقتی هماهنگی میان اثر هنری و محیط شکل می‌گیرد مخاطب ارتباط درست و خوبی را با اثر برقرار می‌کند و در ساده‌ترین حالت ممکن می‌تواند باعث حفظ بصری برای مخاطب شود.

مجسمه‌های شهری یکی از مهم‌ترین عناصر زیباسازی شهری است که باعث ارتقای آگاهی‌های عمومی معرفی نمادها و ارزش‌های فرهنگی می‌شود. در شلوغی و ازدحام زندگی، پنج دقیقه‌امروز که باوقفه بر ما و زندگی و روحیات‌مان تأثیر می‌گذارد، چاره‌ای نیست جز تلطیف فضای زندگی جمعی و بهره‌بردن از هنر برای کمی دلپذیر شدن محیط زندگی اجتماعی.



مجسمه‌های شهری، علاوه بر تأثیر بر جلوه‌های بصری شهرها، می‌توانند نقش مهمی در انتقال ارزش‌های فرهنگی واجتماعی به شهروندان داشته باشند. حتی برخی معتقدند میزان ارتکاب شهروندان به جرم با میزان توجه آنها به ارزش‌هایی از قبیل راستگویی، کار و تلاش، ایثارگری و حتی سبک زندگی ارتباط مستقیمی با المان‌های شهری دارد. مجسمه‌های شهری ابزارهای مؤثری برای بهبود فرهنگ شهروندان هستند و می‌توان از ظرفیت بالای آنها برای ارتقای کیفیت زندگی شهری و پیشرفت شهر در جهت اهداف و لایه‌ی جامعه استفاده کرد. اما مهم‌ترین موضوعی که در رابطه با مجسمه‌های شهری باید مورد توجه قرار داد سنخیت مجسمه‌های شهری با آداب و رسوم شهر و هر خطه است. مجسمه‌های شهری از لحاظ مخاطبانش قابل دسته‌بندی هستند: یک دسته مخاطبان بومی هستند و دسته دیگر مخاطبان گره‌درشتر. اگر در طراحی آنها باید مخاطبان هدف در نظر گرفته نشوند طراحی و ساخت مجسمه‌های شهری جز هزینه و اشغال فضای شهری حاصلی در بر نخواهد داشت.

حججه‌ها می‌توانند در غنی‌ساختن زندگی شهری نقش بسزایی داشته باشند. امروزه تحول شگررف در مسائل و نیازمندی‌های شهری و گسترش بی‌رویه شهرها منجر به تغییر یکباره چهره شهرها شده و به کلی چهره و منظر شهرها را دگرگون کرده‌است. هر چه فضای شهری فشرده‌تر شود، بی‌نظمی و عدم‌هویت بصری بیشتری رخ می‌نماید و پیامدهای نامطلوب ناشی از آن همچون بیماری شهر، عدمسهولت در ارسال و دریافت پیام‌ها بصری، فرسودگی روانی و سلب آرامش، فقدان ارتباطات مناسب انسانی، عدم‌احساس تعلق به محیط و عدم‌ایجاد انگیزه کافی برای کار و فعالیت بیشتر احساس می‌شود.

بنابر آنچه گفته شده، به‌صورت کلی برای اینکه یک اثر هنری آن هم در نظر شهروی مطلوب واقع شود ویژگی‌های متعددی باید مدنظر قرار گیرد. اثر باید از لحاظ فرمی و مفهومی با منطقه و اقلیمی که مجسمه در آنجا نصب می‌شود سنخیت داشته باشد و مواردی دیگر که مربوط به موقعیت و لوکیشن اثر هم در نظر نوبر خورشید و… است. توجه به این نکات کیفیت اثر را ارتقا بخشیده، چرا که وقتی یک مجسمه از‌زنمندان با رعایت نکات لازم در شهر نصب می‌شود باعث ارتقای سطح بینش مخاطب می‌شود و کیفیت بخشیدن به زیست مخاطبان و شهروندان را در پی دارد و سلیقه‌شان را هم تقویت می‌کند.

هم‌شهری